

«بارِ کد» در سینما

فصل تازه‌اکران باهیجان و جنجال آغاز شده‌است. همین «بار کد» که پیشنهاد دیدنش را به شما می‌دهیم، تازه‌ترین فیلم مصطفی کیایی است که تم طنز دارد و بهرام رادان، مصطفی کیایی، سحر دولتشاهی و بهار کیان افشار نقش‌های اصلی‌اش را بازی می‌کنند. داستان آن دعوت‌مان می‌کند به اینکه آدم‌ها را از روی ظاهر قضاوت نکنیم و به ما می‌گوید قبل از هر قضاوتی صبر داشته باشیم. می‌توانید در شب‌های ماه رمضان که سینماها از افطار تا سحر در حال نمایش فیلم هستند، وقت بگذراند و به تماشای فیلمی بنشینید که از دیدنش پشیمان نخواهید شد.

یکشنبه ● ۲۳ خرداد ۱۳۹۵ ● شماره پنجاه و هفت

ا ت ی چ ع ه ن و

● شجریانی ترین ●



آلبوم تازه در راه

در هفته‌های گذشته، بحث بر سر پخش دعای ربنا با صدای محمدرضا شجریان حواشی زیادی به راه‌انداخت و اجازه با عدم اجازه ایسن پخش دوباره به صدر خبر ها بازگشت.اماد همین چین، آلبوم تازه‌او «طریق عشق» از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز پخش گرفت.وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این باره توضیح داده که وقتی آلبومی مجوز پخش دارد، دلیلی برای جلوگیری از انتشار آن نمی‌بیند. «طریق عشق» ۹قطعه دارد و اشعار آن از مولانا و حافظ انتخاب شده و زنده‌یاد پرویز مشکاتیان آهنگسازی قطعات را انجام داده‌است.

● مستند ترین ●



درباره ناصر حجازی

بعضی فیلم‌های مستند وقتی به شبکه نمایش خانگی می‌آیند، فروشی بی‌نظیر و استثنایی را تجربه می‌کنند. نمونه‌اش فیلم مستند «من ناصر حجازی هستم» که هفته گذشته به سوپرمارکت‌ها رسید و فروش خوبی را پشت سر گذاشت. علت اصلی آن را می‌توان مضمون ورزشی و محبوبیت ناصر حجازی دانست. شهاب حسینی، بهرام رادان، پرویز پرستویی، مسعود رایگان، مه‌ران مدبری و رویا تیموریان راویان این فیلم مستند هستند. فیلمی به کارگردانی نیما طباطبایی که ۱۶۵ دقیقه‌است.

● سنتوری ترین ●



یک داستان تکراری

در روزهایی که نام فیلم سینمایی «بار کد» در گروه تازه اکران قرار گرفته‌است، موسیقی این فیلم جنجال به‌پا کرده و مجوز نمایش این فیلم سینمایی در حال لغو است. دلیل اصلی را صدای «یاس» اعلام کرده‌اند که تا به امروز موسیقی او را به صورت زیرزمینی شنیده‌ایم و همچنان جزو خواننده‌های بی‌مجوز به حساب می‌آید. گروهی که به فیلم‌ها مجوز نمایش می‌دهند، یک‌مرتبه مجوزهای لازم را صادر کرده‌اند اما به نظر می‌رسد انتقادها به حضور این خواننده باعث شده تا مشکلاتی سدره قرار گیرد.

خوش ساخت و عزیز و محبوب

برای احمد متوسلیان و به مناسبت اکران «ایستاده دِ غبار»



این واقعیت را که گروه فیلم‌سازی جوان گفت‌وگویی انجام ندادند تا سوال‌ها تا زمان نمایش فیلم در جشنواره فیلم فجر ادامه پیدا کند.

■ نمایشی منحصر به فرد

«ایستاده در غبار» یک مستند داستانی روان و بی‌نظیر است. هادی حجازی‌فر، همان بازیگر گمنام که نقش حاج‌احمد متوسلیان را بازی

فرصت تماشای یک فیلم موفق

«ایستاده در غبار» و «ابد و یک روز» فیلم‌های موفق جشنواره سال گذشته بودند. فیلم‌هایی از دو کارگردان جوان که ما را به سینمای ایران امیدوار می‌کنند و می‌توانند دلمان را بزلزاند. یکی با تکیه بر داستان‌های روزمره یک خانواده امروزی و دیگری با سر زدن به داستانی تاریخی. اما از یک منظر «ایستاده در غبار» تجربه‌ای دلپذیر تر به نظر می‌رسد. فیلم روندی متفاوت را طی می‌کند و می‌توان گفت که مسیری تازه را برای سینمای ایران رقم زده‌است. از این جهت پیشنهاد می‌کنیم تماشای فیلم را از دست ندهید. احتمال فراوانی دارد که پس از این، بیشتر چنین فیلم‌های مستند-داستانی در سینمای ایران ببینید و حیف است که ندانید این مسیر تازه با «ایستاده در غبار» آغاز شد.

● دیروز، امروز، فردا ●

||||| ● دلارام مجد ● |||||

شهاب حسینی در نقش عباس بابایی

شهاب حسینی پس از مدت‌ها به تلویزیون قدم گذاشت و نقش عباس بابایی را ایفا کرد. خلبان دوران جنگ که انسان بود و شجاع و او بارها تاکید کرد که چطور به مردان پاک و شجاع این سرزمین عشق می‌ورزد و بارها از علاقه قلبی‌اش به ائمه اطهار سخن گفته بود. صلابتیه که آن حرف‌ها، به قصد ریا به زبان نمی‌آمد. اما می‌دانید دیگر، خیلی‌ها هستند که نمی‌خواهند به باورهای دیگران احترام بگذارند و ترجیح می‌دهند دیگران را همان‌طور ببینند که خودشان می‌خواهند. و خب، شهاب حسینی این نبود. اگر کمی و فقط کمی دقیق‌تر به او نگاه می‌کردیم، باورمان می‌شد که چرا بازیگر بزرگ و خوش‌نام پس از بازگشت از فرانسه دست در دست همسرش به مراسم ترحیم همسر عباس بابایی رفت و اشک ریخت.



تقدیم جایزه به امام زمان (عج)

با این حال زمانی که شهاب حسینی به ایران بازگشت و جایزه بهترین بازیگر جشنواره کن را به امام زمان (عج) تقدیم کرد، بسیاری از افراد گفتند که فشارهای بیرونی او را مجبور به چنین کاری کرده‌است از ما می‌شنوید. آن‌ها که این حرف را زدند، هیچ‌وقت داستان زندگی سیدشهاب‌الدین حسینی را با دقت دنبال نکرد. داند. او بازیگری است که اصولا همیشه اعتقادهای مذهبی جدی داشته و آن‌ها که اسم را روی رفتارش گذاشتند، بیشتر از هر چیز او را با تصویری به خاطر می‌آوردند که در «سوپر استار» دیده‌اند. در عالم واقعیت او همیشه با این اعتقادات زندگی کرده‌است و اگر اندکی در کلیشه‌های ذهنی‌شان دست ببرند، متوجه می‌شوند که بازیگران خوب الزاما شبیه به سوپر استار فیلم ته‌مینه میلانی نیستند.



کتینو | ۰۷

● رمضانی ترین ●



برقراری طرح افطار تا سحر

هر ساله نزدیکی‌های ماه رمضان و پس از هماهنگی میان انجمن سینماداران با اداره اماکن و نیروی انتظامی، طرح افطار تا سحر به مرحله اجرا می‌رسد. گاهی این مجوزها صادر می‌شود و نیروی انتظامی برای ایجاد امنیت شهروندان یا پیش می‌گذارند و گاهی دیگر اعلام می‌کنند که توانایی پوشش این طرح را ندارند. اما امسال و از آنجایی که روزهای پررونق سینماها را شاهد هستیم، به نظر می‌رسد نیروی انتظامی نیز در صحنه حاضر شده‌است و طرح افطار تا سحر در سینماها اجرا می‌شود.

● رویاها و کابوس‌ها ●

● نگار مفید ●

زندگی خصوصی آقای هنرپیشه

«موج بلند عشق»، صفحه را ورق می‌زنم، «باز بهار می‌شود»، کتاب شعر را همین‌طور پیش می‌روم و از هر برگ قطعه‌ای، جمله‌ای، بخشی، حتی کلمه‌ای به خاطر می‌سپارم و می‌گزم. شاعر می‌گوید: «پدر دو چرخه را خرید / پدر دو چرخه را فروخت / و بچه آن دو چرخه را چقدر دوست داشت / که جنگ شد / و صلح شد / و بچه‌ای هنوز / با دو چرخه / اروی تپه‌های سبز / می‌رود» و تا خود اگاه قلم‌بیر تیر می‌کشد به خاطر کودکی که دیگر نیست. اما پیشرفت در صفحه‌های کتاب کمک‌ نمی‌کند تا زندگی عمران صلاحی را به خاطر بیاورم. مردی که مهربان بود و در همان چند برخورد ابتدایی چنان با مهربانی و استادمنشی تو را در پناه می‌گرفت که باور کردنی نبود و نیست. اما نمی‌دانسم در زندگی خصوصی‌اش چگونه بود، دغدغه‌اش چه بود، به بهار و آب و پاک و هوای آبی و زندگی بهتر فکر می‌کرد یا نه. چه می‌دانیم، شاید شاعرها هم مهمانی می‌روند. ما که نمی‌دانیم، شاعرها هم دل دارند به هر حال. یادست کم وقتی از عمران صلاحی حرف می‌زنیم باید بنویسیم شاعری بود که دل داشت و این فعل گذشته را چوری صرف کنیم که نم‌اشکی هم گوشه چشمانمان بنشیند. به هر حال او شاعر طبیعت بود و مدام عاشقانه‌هایی از دل طبیعت می‌سرود. از غنچه‌های خنده بر لب و از شکوفه‌های تازه رسیده. او برایمان داستان رد شدن کوه از دل ما را می‌گفت و داستان نسیم که آرام گزم می‌کند و سبسی به دست سرباز می‌دهد. شاید اگر این روزها زنده بود، برایمان از ریز گردهای اهواز می‌گفت و از کارون کم‌آب. چرا که آن موقع که شعرهای عمران صلاحی تاریخ خورده‌اند، هنوز زمین تا این اندازه گرم نشده بود و ما به بحران کم‌آبی فکر نکرده بودیم. او می‌گفت بهار و ما یاد یاد شکوفه‌های زرد و سفید روی شاخه‌های درخت می‌افتادیم و او می‌گفت دشت و ما به یاد پهنه پرشکوه سبز رنگ.

آن موقع هنوز آب و درخت و آسمان دغدغه‌ای ساده بودند، به قول رضا کیانیان دغدغه‌ای روشنفکری. رضا کیانیان بود دیگر، می‌گفت تا چند سال پیش محیط‌زیست دغدغه‌ای روشنفکرانه بود، خودش گفت، در برنامه «خندوانه»، پیش از آنکه جناب‌خان با آن لهجه دلنشین آبدانی بیاید و برای ما بیننده‌های خسته دلبری کند. در همان برنامه که محیط‌ایانان کشور به برنامه آمده بودند و رضا کیانیان به‌عنوان سفیر محیط‌زیست در برنامه حضور داشت. ما ندیده بودیم، یعنی می‌دانستیم که محیط‌بانی شغل است، اما نمی‌دانستیم که ۱۱۶ شهید محیط‌زیست در کشور وجود دارد. ۱۱۶ نفر که به خاطر ما، به خاطر حفظ محیط‌زیست، به خاطر تک‌تک آن تائیه‌ها که احساس می‌کنیم نسیم به‌خوبی و خوشی از کنار ما می‌گذرد، جان خود را فدا کرده‌اند. این شد که وقتی به رسم برنامه به رضا کیانیان گفتند رو به دوربین حرف بزن، مخاطبش را مسئولان قرار داد و از آن‌ها خواست تا تجلیل از این شهدا را در برنامه‌شان قرار دهند. کمی گذشت و میکروفن به دست یکی از محیط‌ایان رسید، محیط‌بانی که تا امروز ۴ مرتبه در درگیری با خاطیان و مجرمان مصدوم شده و یک پایش نیز آن قدر مجروح است که باید کنار نامش بنویسد جانبا:ز. می‌دانید؛ مثل لقب و عنوان دکتر و مهندس است، فقط به او می‌گویند جانبا:ز. کسی که به خاطر همان معدود تائیه‌هایی که ما به عکس‌های حیوانات نگاه می‌کنیم و لبخند می‌زنیم، پای مصدوم و مجروحی دارد.

داستان اما هیچ‌کدام از این‌ها نیست. داستان اصلی دغدغه بازیگری است که از محیط‌زیست با ما صحبت می‌کند و از درخت‌های توموند و از کمبود آب و ما نمی‌دانستیم، نمی‌دانستیم که گوشه‌ای از زندگی خصوصی آقای بازیگر با محیط‌زیست گره خورده و نمی‌دانستیم که او دغدغه‌هایی تا این اندازه روزمره دارد. شاید اگر او را در یک پارتی شبانه دستگیر کرده بودند، یا اگر جرم و جنایتی مرتکب شده بود، زودتر متوجه می‌شدیم و خبرش سریع‌تر در شهر می‌پیچید. اما زندگی بازیگری مثل کیانیان با حجمی از مثبت‌اندیشی و فعالیت اجتماعی گره خورده که ما عادت به مشاهدش نداریم. مثل زنده‌یاد عمران صلاحی که فقط شاعر نبود و مثل تمام آن بازیگرانی که به‌عنوان سفرای محیط‌زیست یا بیماری‌های مختلف فعالیت اجتماعی‌شان را ادامه می‌دهند و برای ما از اتفاق‌های بهتر سخن می‌گویند. شاید بهتر باشد از این به بعد، وقتی اسم یک هنرمند به میان می‌آید، وقتی نامش روی تیتراژ یک فیلم یا سریال می‌نشیند و وقتی در بروشور یک نمایشگاه یا پشت جلد کتابی اسمش را می‌بینیم، به جای تمام آن سوال‌های نیمه‌کاره با جواب‌های بالاتکلیف، از خودمان بپرسیم که در زندگی خصوصی‌اش اثر و نشانی از فعالیت‌های اجتماعی خیرخواهانه و داوطلبانه وجود دارد یا نه. این‌ها سوالاتی است که احتمالا باعث می‌شوند تا در پناه مهربانی ما به زندگی ادامه دهند.